

## An Introduction to Two Newly Found Poems by Ibn Husam Khusafi and to Manuscript No. 6115 of the National Library

Hosamedin Rahimi\*

### Abstract

Ibn Husam Khusafi is one of the prominent poets of the ninth century AH. Several manuscripts of his *Diwan* are preserved in various libraries in Iran. It has been edited three times so far: by Gholamhossein Shokoochi in 1967, by Tahereh Khoshhal Dashtjerdi in 1985, and by Ahmad Ahmadi Birjandi and Mohammad Taghi Salek in 1987. Manuscript no. 6115 of the National Library is an important but little-known copy of his *Diwan* that has not been used in any of these editions. This manuscript was probably written in the eleventh century AH. Despite its gaps, it contains poems and verses that do not appear in the existing editions of Ibn Husam Khusafi's *Diwan*. In this paper, after introducing the manuscript, two poems, considered newly discovered works of Ibn Husam Khusafi, are published and edited for the first time based on this copy. These two ghazals, consisting of 16 couplets in total, are significant because they reflect Ibn Husam Khusafi's religious beliefs.

**Keywords:** The *Diwan* of Ibn Husam Khusafi; Critical Edition; Newly Discovered Poems; Manuscript No. 6115 of the National Library; Religious Poetry.

### 1. Introduction

Ibn Hosam Khusfi, one of the most distinguished poets of the 9th century AH, is renowned for his mastery of religious and epic themes. His *Diwan* has been edited three times so far: by Gholamhossein Shokoochi in 1967, by Tahereh Khoshhal Dashtjerdi in 1985, and by Ahmad Ahmadi Birjandi and Mohammad Taghi Salek in 1987. However, none of these editions made use of National Library manuscript no. 6115, an especially significant copy that contains several poems absent from the published versions. This paper presents a detailed introduction to that manuscript and its paleographic features, followed by the first publication of two previously unknown ghazals by Ibn Husam Khusafi.

\*M.A. student in Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.  
hosamaldin.r@gmail.com

#### How to cite article:

Rahimi, H. (2025). An Introduction to Two Newly Found Poems by Ibn Husam Khusafi and to Manuscript No. 6115 of the National Library. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 4(8), 261-280. doi: 10.22077/jrcr.2025.8720.1189



## 2. Methodology

This research employs a descriptive–analytical approach grounded in the principles of textual criticism. Data were collected through library research and comparative examination of various manuscript versions of Ibn Hosam Khusfi's *Diwan*. The recovered poems were critically edited with attention to linguistic, orthographic, and stylistic features. Additionally, the contents of the examined manuscript were thoroughly studied and analyzed.

## 3. Analysis and Discussion

This study focuses on manuscript no. 6115 of the National Library of Iran, a significant yet understudied copy of Ibn Hosam Khusfi's *Diwan* that has not been utilized in any of the existing critical editions. The manuscript, written in a hand resembling *naṣṭa'īq* and most likely copied in the 11th century AH, contains fifty-eight *qasīdas*, two *ghazals*, several *mathnavīs*, and poetic fragments not found in other known copies. Although catalogues have dated this manuscript to the 12th century AH, the only dated note it bears is a record of its sale in 1120 AH, suggesting that its transcription predates that moment. The manuscript preserves seventy-one poetic pieces by Ibn Hosam, the overwhelming majority of which are *qasīdas*. It also includes two *ghazals* (of seven and nine verses) that do not appear in previously edited versions of his *Diwan*. Both are panegyrics in praise of Imam Ali and reflect Ibn Hosam's intense and explicit religious convictions. It is plausible that this strong theological tone contributed to their omission from other manuscripts. In the present article, these two *ghazals*, on the basis of a single surviving witness, are critically edited and published for the first time.

## 4. Conclusion

The study demonstrates that manuscript no. 6115 of the National Library of Iran represents one of the earliest and most valuable witnesses to Ibn Hosam Khusfi's *Diwan*. It preserves poems of doctrinal and stylistic significance that enrich our understanding of the poet's literary worldview. The two newly edited *ghazals* attest to his firm religious commitments and underscore his continued relevance within the history of Persian devotional poetry. Incorporating this manuscript in future critical editions will substantially improve the textual accuracy and completeness of Ibn Hosam Khusfi's collected works.

## معرفی دو سروده نویافته از ابن حسام خوسفی و دست‌نوشته شماره ۶۱۱۵ کتابخانه ملی

حسام‌الدین رحیمی\*

### چکیده

ابن حسام خوسفی از سرایندگان نام‌آور قرن نهم هجری است که دست‌نوشته‌های متعددی از دیوان او در کتابخانه‌های مختلف ایران نگاه‌داری می‌شود. دیوان او تاکنون سه بار تصحیح شده است؛ غلامحسین شکوهی در سال ۱۳۴۶، طاهره خوشحال دستجری در ۱۳۶۴ و احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک در سال ۱۳۶۶ دیوان وی را تصحیح کرده‌اند. نسخه ۶۱۱۵ کتابخانه ملی از دست‌نوشته‌های قابل اهمیت، اما کمتر شناخته‌شده دیوان اوست که در هیچ‌یک از تصحیح‌های دیوان ابن حسام محل استفاده نبوده است. این دست‌نوشته احتمالاً در قرن یازدهم هجری کتابت شده است و به‌رغم افتادگی‌ها، شامل سروده‌ها و بیت‌هایی است که در تصحیح‌های موجود از دیوان ابن حسام به چشم نمی‌خورند. در نگاشته حاضر پس از معرفی این دست‌نوشته، برای نخستین بار دو سروده که باید آنها را از سروده‌های نویافته ابن حسام تلقی کرد بر پایه این دست‌نوشته نقل و تصحیح شده است. این دو غزل که مجموعاً ۱۶ بیت هستند از نظر اشمال بر باورهای دینی ابن حسام اهمیت دارند.

**کلیدواژه‌ها:** دیوان ابن حسام، سروده‌های نویافته، نسخه خطی.

#### مقدمه

محمد بن حسام خوسفی، از مشهورترین شاعران قرن نهم هجری است. اکثر تذکره‌نویسان قریب‌العصر او، قوت شاعری او را ستوده‌اند. دولتشاه سمرقندی درباره او نوشته است: ملک‌الکلام، مولانا محمد حسام‌الدین المشهور به ابن حسام رحمه الله علیه به‌غایت خوش‌گوست و با وجود شاعری صاحب فضل بود؛ و قناعتی و انقطاعی از خلق داشته. از خوسف است من اعمال قهستان؛ و از دهقنت نان حاصل کردی و گاو بستی؛ و صبح که به صحرا رفتی، تا شام اشعار خویش بر دسته بیل نوشتی؛ و بعضی او را ولی حق شمرده‌اند؛ و در منقبت‌گویی در عهد خود نظیر نداشت و قصائد غرا دارد (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۳۸).

حسامی تاریخ وفات ابن حسام را ۲۳ ماه ربیع الثانی سنه ۸۷۳ نوشته است (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۴۰). همچنین تولد او را در سال ۷۸۲ یا ۷۸۳ هجری قمری دانسته‌اند (احمدی بیرجندی، ۱۳۶۶: دوازده).

دیوان محمد ابن حسام تاکنون سه بار تصحیح شده است: نخستین تلاش‌ها به منظور تصحیح دیوان ابن حسام خوسفی توسط غلامحسین شکوهی انجام شد. پایان‌نامه تحصیلی وی در سال ۱۳۴۶ با عنوان شرح حال و ذکر آثار و هزار و هشتصد بیت از اشعار مولانا محمد ابن حسام خوسفی دفاع شد. وی در تصحیح خود از دست‌نوشته کتابخانه ملک به شماره ۴۶۶۲ استفاده کرده است که دست‌نوشته‌ای بی‌تاریخ و ناقص است. این نسخه در فنخا چنین معرفی شده است:

آغاز: ای نام تو در هر دهنی ورد زبان‌ها/ اندر حجب از درک یقین تو گمان‌ها.  
انجام: فسون ابن حسام به توبه می‌خواند/ به گوش در نرود هرگز این فسانه مرا.  
خط: نستعلیق، بی‌کاء، بی‌تا؛ کاغذ: نوعی ترمه، جلد: میشن قرمز، ۵۰ سطر (درایتی، ۱۳۹۰، ۱۴: ۹۲۰).

نشانه‌ای از افتادگی در نسخه نیست. بالای برگ اول آن به خط کاتب نوشته شده است «دیوان ابن حسام» که نشان‌دهنده شروع نسخه از همین صفحه است. همچنین در پایان قصاید عبارت «تمت» به چشم می‌خورد. پشت برگ آخر آن عنوان «فی الغزلیات» را دارد و در این صفحه ۶ غزل از ابن حسام کتابت شده است. این صفحه رکابه ندارد که خود نشان می‌دهد برگ دیگری بعد از آن وجود نداشته و نسخه به همین مقدار بوده است. رساله دکتری طاهره خوشحال دستجردی (۱۳۶۴) با عنوان تصحیح/انتقادی دیوان ابن حسام خوسفی. این رساله به راهنمایی سیدجعفر شهیدی در دانشگاه تهران انجام شده است. دستجردی در تصحیح دیوان از چهار دست‌نوشته استفاده کرده است: الف) نسخه کتابخانه ملک به شماره ۵۱۵۵. این دست‌نوشته در تاریخ ۸۹۷ کتابت شده است و پاره‌ای از غزلیات و قصاید را ندارد. این نسخه را باید قدیمی‌ترین نسخه دیوان ابن حسام دانست. دارای ۲۷۶ برگ ۳۰ سطری است که با خط نسخ کتابت شده است. کاتب آن ابوالمحجن محمدعلی

محمد الخوسفی است. کاتب تاریخ اتمام کتابت را ۱۲ ذوالقعدة ۸۹۷ ثبت کرده است. این نسخه از جهت اشمال بر دو مثنوی *نسب‌نامه* و *دلائل النبوه* حائز اهمیت است. ب) نسخه خطی انجمن آثار ملی به شماره ۹ که کامل‌ترین نسخه دیوان ابن حسام است و در سال ۸۹۹ کتابت شده است. کاتب این نسخه و نسخه پیشین (۵۱۵۵ ملک) یک نفر است. این نسخه اگرچه مثنوی‌های *نسب‌نامه* و *دلائل النبوه* را ندارد، اما به جهت اشمال بر غزلیات و قطعات مهم است. ج) نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۴۱۱۳ که شامل قسمتی از قصاید است و در قرن یازدهم یا دوازدهم تحریر شده است. این نسخه در فنخا چنین معرفی شده است:

آغاز: ای بسزا لایق حمد و ثنا/ ذات تو پاک از صفت ناسزا

انجام: مسندآرای قصور قاصرات الطرف و عین/ باب فخر خیل خیرات حسان حد حسین

خط: شکسته نستعلیق، بی‌ک، تا: قرن ۱۱ و ۱۲؛ افتادگی: انجام. ۹۶ گ، ۱۶ س (همان، ۱۴: ۹۱۹)

نسخه چهارم را نگارنده رساله چنین معرفی کرده است: «دست‌نوشتی که چاپ سنگی است و پاره‌ای از قصاید در آن مندرج است» (برای آگاهی از شیوه تصحیح، ر.ک: خوشحال دستجری، ۱۳۶۴: ی-ک)

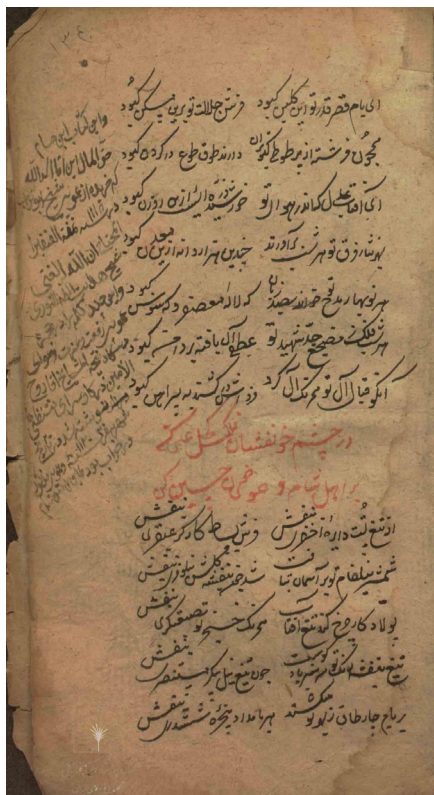
۳- دیوان محمد بن حسام خوسفی به تصحیح احمد احمدی بیرجندی و محمد تقی سالک (۱۳۶۶). در این تصحیح از پنج دست‌نوشته استفاده شده است: الف. نسخه کتابخانه ملک (کتابت: ۸۹۷)، ب. نسخه انجمن آثار ملی (کتابت: ۸۹۹)، ج. نسخه مسجد اعظم قم به شماره ۳۱۲۶. این نسخه در روز پنجشنبه دوم جمادی الاول سال ۱۲۱۹ به وسیله احمد نامی کتابت شده است. فاقد مثنوی‌ها و قسمتی از قصاید است، اما به دلیل اشمال بر غزلیات جالب توجه است. د. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (قرن ۱۱-۱۲)، ه. نسخه دیگری از کتابخانه ملک به شماره ۵۳۱۵ که تاریخ کتابت آن ۱۲۷۰ ه.ق است. (برای آگاهی از دست‌نوشته‌ها و شیوه تصحیح، ر.ک: احمد احمدی بیرجندی، ۱۳۶۶: چهل و نه- شصت و چهار)

دست‌نوشته محل بررسی ما در هیچ‌یک از این تصحیح‌ها محل مقابله و استفاده نبوده است و دو سروده نویافته ما نیز در هیچ‌یک از این تصحیح‌ها نیامده است.

### معرفی دست‌نوشته محفوظ در کتابخانه ملی

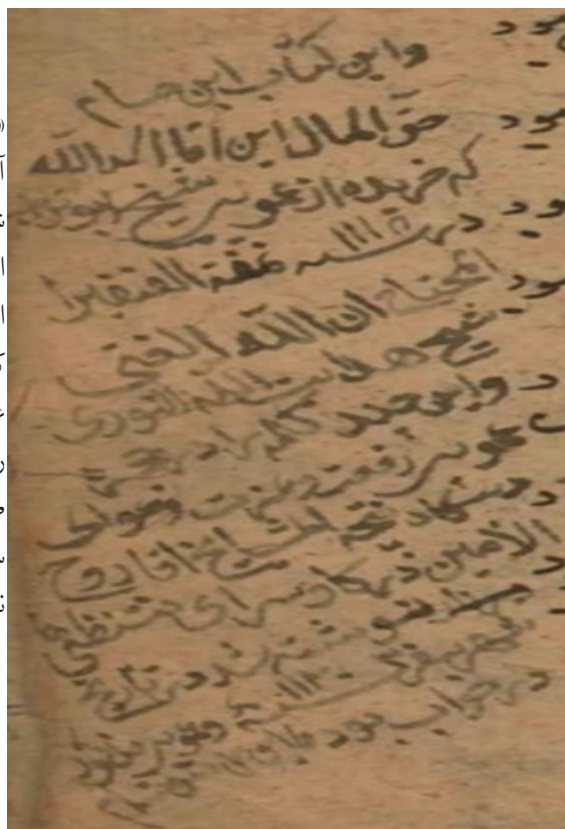
#### تاریخ و مشخصات دست‌نوشته

این دست‌نوشته که به شماره ۶۱۱۵ در کتابخانه ملی نگاه‌داری می‌شود، در فهرست فنخا ذیل عنوان دیوان ابن حسام خوسفی بدین صورت معرفی شده است: «نستعلیق، بی‌ک، تا: قرن ۱۲؛ افتادگی آغاز و انجام؛ یادداشتی از محمد علی بن آقا رسول که به نظر می‌رسد



مالک دست‌نوشته است؛ تملک: شیخ هدایت الله نوری مورخ ۱۱۲۰ق؛ کاغذ: اصفهانی نخودی، ۱۴۴گ، ۱۴ سطر» (درایتی، ۱۳۹۰، ۱۴: ۹۲۰).

تنها یادداشت تاریخ‌دار این دست‌نوشته، یادداشت مندرج بر حاشیه برگ ۱۳۴ است که به نظر می‌رسد استناد فتحا برای قرن دوازدهمی دانستن این دست‌نوشته بر پایه همان یادداشت باشد. برای بحث دقیق‌تر درباره این تاریخ، تصویر و متن حاشیه را آنگونه که بازخوانی کرده‌ایم در اینجا نقل می‌کنیم:



«این کتاب ابن‌حسام، حق‌المال ابن آقا اسدالله [است] که خریده از عمویی شیخ ابوتراب در سنه ۱۱۱۵ [۹۱۱۸؟] نَمَقَه الفقیراً [؟] المحتاج ان [کذا. ص: الی] الله الغنی شیخ هدایت‌الله نوری. و این چند کلمه را [کذا] در حجره عمویی رفعت و عزت و عوالی دستگاه نتیجه المشایخ، آقا روح‌الامین در کارسرای 'نتنظی‌ها [کذا. ص: نظنزی‌ها] نوشته شد در تاریخ شهر سفر [کذا. ص: صفر] سنه ۱۱۲۰ و عمویی نبود [؟] در خواب بود».

عبارات از نظر نحوی، نگارشی و املائی دچار لغزش‌ها و خطاهایی است؛ از جمله:

۱- حذف فعل «است» در جمله نخست پس از «اسدالله» بدون قرینه.

۲- نگارش «ان الله» به جای «الی الله».

۳- نوشتن «را»ی اضافه در جمله مجهول.

۴- نگارش «سفر» به جای «صفر» و همچنین «نتنظی‌ها» به جای «نطنزی‌ها».

چنانکه از این یادداشت برمی‌آید این دست‌نوشته در سال ۱۱۲۰ صرفاً خرید و فروش شده است و باید تاریخ کتابت آن را قدیمی‌تر از قرن ۱۲ دانست. از نظر تاریخ کتابت این نسخه پس از نسخه کتابخانه ملک (کتابت: ۸۹۷ ق) و انجمن آثار (۸۹۹ ق)، قدیمی‌ترین نسخه از دیوان ابن حسام است که بخش قابل توجهی از اشعار او را داشته باشد. یکی بودن کاتب دو نسخه پیشین نیز بر درجه قابل توجه بودن این نسخه می‌افزاید. در ادامه به بررسی بعضی ویژگی‌های متن‌شناختی این دست‌نوشته و همچنین ذکر محتویات آن خواهیم پرداخت.

برخی از نکات متن‌شناختی دست‌نوشته

برگ‌های قابل توجهی از ابتدا و انتهای این دست‌نوشته افتاده است. دست‌نوشته با این عنوان آغاز می‌شود: «فی مدایح اسدالله الغالب، مظهرالعجائب، امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب»

در ابتدای همین برگ و پیش از عنوان مصرعی نوشته شده است که اگرچه افتادگی دارد، اما با توجه به سایر متن‌های چاپی دیوان قابل بازخوانی است: «باب فخر خیل خیرات حسان جد حسین» (خوسفی، ۱۳۶۶: ۷۱) این مصرع آخرین مصرع از قصیده موسوم به سرورالعین ابن حسام است که در ستایش پیامبر (ص) سروده شده است.

با توجه به اینکه ترتیب قصاید در این دست‌نوشته مانند بقیه نسخ دیوان ابن حسام، موضوعی است می‌توان چنین استنباط کرد که قسمت‌های افتاده از ابتدای دست‌نوشته شامل قصایدی در نعت پیامبر و توحید باری تعالی بوده است. دست‌نوشته با این ابیات پایان می‌پذیرد:

که نور ماه دارد انجم او  
هزاران مردمی آغاز کردند

عَفَا الله از فرزن و مردم او  
به شب مأوای ما را ساز کردند

این ابیات از مثنوی زیارت‌نامه ابن حسام است. واژه «کریمان» به عنوان رکابه در گوشه صفحه نوشته شده است که نشان می‌دهد بیت ابتدای برگ بعد با این کلمه شروع می‌شده است و احتمالاً این بیت بوده است:



کریمان را کرامت همنشین باد  
لئیم ار گنج باشد در زمین باد  
(همان: ۴۶۰)

#### محتویات نسخه

در این دست‌نوشته ۵۸ قصیده، ۲ غزل، ۲ مسمط، ۳ مثنوی، ۱ مخمس، ۳ ترکیب‌بند و ۲ قطعه از ابن‌حسام آمده است. عنوان‌ها و مطلع‌ها آن‌ها:

۱- صفحه ۳: فی مدایح اسدالله الغالب، مظهرالعجائب، امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب:

چو این خاتون خوش‌منظر      برون شد همچو از جنت  
از این قصر بهشت‌آسا      دل‌آغشته به خون حوا

۲- صفحه ۶: قصیده مسدسه ایضاً فی مناقبه علیه‌الصلوات و السّلام:

[قسمت آغازین این قصیده افتادگی دارد]      فرش بساط عبقری شعری و سها

۳- صفحه ۱۵: و له ایضاً فی مَدَحِهِ صلوات الرحمن علیه:

شاهی که خسروان دو عالم گدای اوست      ماهی که آفتاب فروغ لقای اوست  
پشت شریعت نبوی مرتضی علی است      کز روی جاه پشت فلک‌ها دوتای اوست

۴- صفحه ۱۷: و له ایضاً فی مدحِ علیه‌السّلام:

خسرو بزم افق دوش که ساغر شکست      مهره سیماب‌گون در قدح زر شکست

۵- صفحه ۲۲: قصیده‌ای است با ردیف «دست» که عنوان و بیت اول آن افتاده است. آغاز:

زیورکشان سبزه تردل گشاده‌اند      بر میغ‌های تازه‌رخ ژاله‌بار دست

۶- صفحه ۲۷: این نیز مدح شهریار است:

ای ذات تو میراث نبی را شده وارث      نی چون دگران گشته به ناحق متوارث

۷- صفحه ۲۸: عنوان ندارد.

سپیده‌دم که سیاهی دهد به استدراج      به شاه روم ز دارای زنگ‌بار خراج

۸- صفحات ۳۱، ۳۲، ۳۳ و ۳۴ شامل ۵۲ بیت از میانه قصیده موسوم به سرورالعین ابن‌حسام هستند. این قصیده در بقیه دست‌نوشته‌ها ۲۰۲ بیت دارد. همان‌طور که در بخش پیشین توضیح داد شد در اولین صفحه این دست‌نوشته، بیت آخر این قصیده به چشم می‌خورد. این صفحات احتمالاً از آغاز نسخه جدا شده‌اند و بعداً بین دست‌نوشته قرار گرفته‌اند. آغاز:

علاج چشم فلک هم ز سرمه در توست      که همچو عرش معلاست معدن انوار



- ۹- صفحه ۳۵: عنوان ندارد.  
إذا العشی تعشی و لمع المصباح  
و زال کوکب بیضاء و الکواکب لاح
- ۱۰- صفحه ۳۷: عنوان ندارد.  
چون شام روم رو به سوی قیروان کند  
پشت هزیمت از طرف هندوان کند
- ۱۱- صفحه ۴۱: عنوان ندارد.  
چو یار طره سنبل‌عذار بگشاید  
هزار نافه مشک تار بگشاید
- ۱۲- صفحه ۴۵: عنوان ندارد.  
چو زلف نگار سمن‌بر بلرزد  
چو بر برگ گل سنبل تر بلرزد
- ۱۳- صفحه ۴۸: عنوان ندارد.  
زلفت رواج نافه تاتار بشکند  
عطر شمیم طبله عطار بشکند
- ۱۴- صفحه ۵۱: عنوان ندارد.  
چو ترک‌رومی بدان‌رساند که روز و شب را بهم برآرد  
سیاه‌زنگی چو جعد خوبان طراز مشکین‌علم برآرد
- ۱۵- صفحه ۵۷: عنوان ندارد.  
شارع شرع آن که به مختار برد  
ره به در حیدر کرار برد
- ۱۶- صفحه ۶۰: عنوان ندارد.  
دوشم صدای هاتف غیبی خطاب کرد  
زانسان کزان خطاب دلم پر ز تاب کرد
- ۱۷- صفحه ۶۴: عنوان ندارد و مطلع قصیده افتاده است. آغاز:  
صبحدم در بوتۀ زر می‌دمد کز نفخ او  
قرصۀ گاورسه‌دار از کان کانون می‌رسد
- ۱۸- صفحه ۶۷: و له ایضاً فی مدحه علیه‌السلام.  
ای مسند دیوان امارت به تو مسند  
وی جوهر صافی تو زینده‌مسند
- ۱۹- صفحه ۷۰: و ایضاً له فی مدحه علیه‌السلام.  
چو گل‌عذار فلک نرگس خمارآلود  
به صد کرشمه ز خواب سحرگهی بگشود
- ۲۰- صفحه ۷۴: عنوان افتاده است.  
قبۀ توسست برآورده به علیین سر  
بر درش چرخ فلک را ز پی تزئین سر
- ۲۱- صفحه ۷۶: ولایت‌نامه آن حضرت علیه‌السلام.

- الا ای طوطی پرنوش منقار  
شکرریزی کن از نطق شکربار  
۲۲- صفحه ۸۶: این هم ولایتی ز ولایات مرتضاست.
- حمد بیحد ستایش بی‌مر  
هست زیبای خالق اکبر  
۲۳- صفحه ۹۳: این هم ولایتی ز ولایات مرتضاست.
- ای کبریای ذات برتر ز جسم و جوهر  
خالق ماسوی الله رزاق بنده‌پرور  
۲۴- صفحه ۹۹: قصیده فی صفه الربیع مَذیل بمدحه علیه السلام.
- خیمه زد ابر بر سر کُھسار  
شد پراکنده بر یمین و یسار  
۲۵- صفحه ۱۰۶: القصیده فی مدحه علیه السلام.
- شاید که آفتاب به هنگام اقتباس  
بر خاک درگه تو نهد روی التماس  
۲۶- صفحه ۱۰۸: ایضاً له.
- ایا ثنای تو بر خلق واجب التقدیس  
زهی غبار درت کحل دیده برجیس  
۲۷- صفحه ۱۰۹: ایضاً فی مدحه علیه السلام.
- روز انذار لات حین مناص  
کس نیابد گریزگاه خلاص  
۲۸- صفحه ۱۱۰: و ایضاً فی مدحه علیه السلام.
- ای مدحت و ستایش تو بر انام فرض  
تعظیم خاک پای تو بر خاص و عام فرض  
۲۹- صفحه ۱۱۲: ایضا فی مدحه.
- ای مرغ شاخ سدره نشیمن تو را مطاع  
در خانقاه صفوت تو چرخ در سماع  
۳۰- صفحه ۱۱۵: فی صفه الثلج مُذیل بمدحه علیه السلام.
- ابر آمد از هوا که بود میزبان برف  
از قاف تا به قاف بگسترد خان برف  
۳۱- صفحه ۱۲۰: ایضاً فی منقبتہ علیه السلام.
- شب سیاه که شد تیره روز بر آفاق  
دمید بر سر صبح وصال شام فراق  
۳۲- صفحه ۱۲۴: قصیده مرصعة فی منقبتہ علیه السلام.
- ای فلک را به خدمت الزام  
وی ملک را به مدحت الهام  
۳۳- فی مدح ائمه المعصومین علیهم السلام.
- دلیل راه و عقل پیش‌بینم  
شبی بر اسب همت بست زینم  
۳۴- صفحه ۱۳۱: ایضاً فی مدحه.

- ساقی خراب‌گشته آن چشم دلبرم  
هرگز کجا ز فتنه آن چشم دل برم
- ۳۵- صفحه ۱۳۴
- باز چو مستان از سر دستان  
نغمه‌سرایان  
رقص‌نمایان
- رفته به بستان بلبل محرم  
خرم و خندان خوشدل و بی‌غم
- ۳۶- صفحه ۱۳۸: قصیده لطیفه فی جواب فخر الرازی فی منقبتہ.  
اطلس رومی برید ترک چگل بر بدن  
حله زربفت بافت گل‌رخ خان ختن
- ۳۷- صفحه ۱۴۴: قصیده شتر و حجره فی جواب مولانا کاتبی رحمه الله علیهما.  
شترسوار قضا می‌رسد به حجره من  
که بر شتر بنهد رخت جان ز حجره تن
- ۳۸- صفحه ۱۴۷: عنوان ندارد.  
هر سحر کز بام چرخ این فیلسوف چاپلوس  
افکند بر دوش گردون طیلسان سندروس
- ۳۹- صفحه ۱۵۲: و ایضاً فی مدحه علیہ السلام.  
دوش در بستان‌سرای طبع نظم‌آرای من  
خضر معنی آب خورد از چشمه خضرای من
- ۴۰- صفحه ۱۵۸: و له ایضاً فی مدحه علیہ السلام.  
بر شصت چون چهار بیفزود سال من  
تغییر داد گردش دوران به حال من
- ۴۱- صفحه ۱۶۱: عنوان ندارد.  
ای ز رفعت پای قدرت برتر از چرخ برین  
ذات پاکت مقصد تنزیل رب‌العالمین
- ۴۲- صفحه ۱۶۶: عنوان ندارد.  
نمونه‌ای است ز خط عذار یار بنفشه  
چه خوب می‌دمد از طرف لاله‌زار بنفشه
- ۴۳- صفحه ۱۶۹: عنوان ندارد.  
کیست آنکو فاکهه با نخل و رمان یافته  
از ریاحین راحت آن روح و ریحان یافته
- ۴۴- صفحه ۱۷۲: عنوان ندارد.  
کیست آن کز رای او خورشید زیور یافت  
روی خاک از سم اسپش ماه و اختر یافته
- ۴۵- صفحه ۱۷۷: عنوان ندارد.  
ای ورای عرش اعظم قبه ایوان زده  
از شرف بر اوج رفرف فرش شادروان زده
- ۴۶- صفحه ۱۷۹: و له ایضاً فی مدحه.

- هر صبحدم مصور این قصر اخضرى از کان لاجورد دهد زر جعفرى  
 ۴۷-صفحه ۱۸۵: ايضاً فى مدحه عليه الصلوة والسلام.  
 من ادرك العلى فاعلى العلاء على قد كان فى الولاء ولى الولا على  
 ۴۸-صفحه ۱۸۸: ايضاً فى مدحه صلوات الله و سلامه عليه.  
 اى صبا افتان و خيزان تا به كى؟ غاليه بر خاك ريزان تا به كى؟  
 ۴۹-صفحه ۱۹۰: الترجيع فى مدحه عليه السلام.  
 هر كه او را هدايت ازلى است بر طريق نبى و راه ولى است  
 ۵۰-صفحه ۲۰۲: فى نعت سيده النساء فاطمة الزهرا عليها السلام.  
 باز بر اطراف باغ از چمن گلغذار مجمره پردود كرد بوى خوش نوبهار  
 ۵۱-صفحه ۲۱۰: ايضاً فى نعتها صلوات الله عليها.  
 چون رفت برون يوسف از اين گلشن مينا بر دامن او ريخت فلک اشک زليخا  
 ۵۲-صفحه ۲۱۴: ايضاً فى صفته عليه السلام.  
 چنين گفت آدم عليه السلام چو شد باغ رضوان مقيمش مقام  
 ۵۳-صفحه ۲۱۹: ايضاً فى منقبت امام المسموم حسن الصلوة الله عليه.  
 ايا صبا بگذر بر سر مزار حسن زهى شميم تو چون خلق مشكبار حسن  
 ۵۴-صفحه ۲۲۱: و ايضاً فى مدح سيد مظلوم امام حسين عليه السلام.  
 دلم شكسته و مجروح و مبتلاى حسين طواف كرد شبى گرد كربلاى حسين  
 ۵۵-صفحه ۲۲۴: مخمس فى مدح خمسة العبا عليهم السلام.  
 پس از ثناى جميل مهيمن ذوالمن ز ابتدای فطن تا به انتهای زمن  
 ۵۶-صفحه ۲۲۸: مناجات لقاضى الحاجات باستمداد ائمة العصومين عليهم السلام.  
 الهى به اعزاز آن چند تن كه هستند فخر زمين و زمن  
 ۵۷-صفحه ۲۳۰: ايضاً فى مرثية سيد المظلوم امام حسين عليه السلام.  
 ديشب كه زار و زرد و خميده چو زلف يار بر بام شام شكل مه نو شد آشكا  
 ۵۸-صفحه ۲۳۴: ايضاً مرثية سيدالشهدا حسين مظلوم عليه السلام.  
 قنديل آفتاب كزو عرش را ضياست تاب شعاع روضه مظلوم كربلاست  
 ۵۹-صفحه ۲۳۹: عنوان و بيتهاى آغازين افتاده است. آغاز قصيده در نسخه:

- سرْمهٔ خلْقیت از چشم شتر بیرون شدی      گر برین ناقه چو صالح بر عطن بگریستی  
۶۰-صفحهٔ ۲۴۱: ایضاً فی ذکر بعض الشهداء خصوصاً امیر حمزه رضی الله عنه.
- دلم قتیل ره کشتگان راه خداست      که دیده دم به دم از موج سینه خون پالاست  
۶۱-صفحهٔ ۲۴۷: عنوان ندارد.
- دل ار شکسته و آشفته و پریشان است      عجب مدار که در بند زلف جانان است  
۶۲-صفحهٔ ۲۵۱: عنوان ندارد.
- عبیر می‌دمد از ناف آهوان ختن      بتاب طره و نرخ عبیرشان بشکن  
۶۳-صفحهٔ ۲۵۶: عنوان ندارد.
- بازم نوید مژدهٔ دولت به جان رسید      دل را امید دولت و بخت جوان رسید  
۶۴-صفحهٔ ۲۶۰: فی مدح صاحب‌الزمان صلوات الله علیه.
- دل شکسته و مهجور و خاطر رنجور      سپیده دم که شدم محرم سرای سرور  
۶۵-صفحهٔ ۲۶۴: هفت رنگ فی مدح قایم آل محمد.
- هر صبحدم که چرخ کند طیلسان سفید      از موکب سپیده شود آسمان سپید  
۶۶-صفحهٔ ۲۶۸: هفت بند ایضاً فی مدح قایم علیه السلام.
- چو گشت در تنق اخضری نهان گوهر      بریخت کوکب درّی بر آسمان گوهر  
۶۷-هفت چمن ایضاً فی مدح القایم علیه السلام.
- بس که شوخ است و فریبنده و زیبا نرگس      گویا چشم تو دارد نظری با نرگس  
۶۸-صفحهٔ ۲۷۸: منقبت سادات چنشت رضی الله عنهم.
- تو یار غاری و اصحاب یار غار تواند      تو پیشکار و جهان جمله پیشکار تواند  
۶۹-صفحهٔ ۲۸۰: عنوان ندارد.
- ای پرتو جمال تو مصباح کبریا      اوراق مدحت تو مصابیح اولیا  
۷۰-صفحهٔ ۲۸۲: زیارت‌نامهٔ سادات چنشت.
- تعالی [الله]<sup>۲</sup> عن وصف العبادِ      و کل الخلق يرجع بالمعادِ
- ۷۱-در صفحات ۲۸۴ و ۲۸۶ دو قطعه از ابن‌حسام نقل می‌شود. این دو قطعه ما بین مثنوی پیشین ذکر شده است و ابن‌حسام در این مثنوی به سرایش آن‌ها اشاره کرده است. مطلع آن دو قطعه:
- ۱ مقصود و تمنا که غرض بود برآمد      المنهٔ الله که به مقصود رسیدیم  
۲ یکی شمه از شمایل تو بر بیاض گل      در باب مهتری به خط زر نوشته‌اند

### حواشی

در حاشیه صفحه ۲۳۸ این دست‌نوشته آمده است: «صاحب این کتاب ابن‌حسام از زمان حاجی آقا شیخ» و دنباله یادداشت پاک شده است. دست‌نوشته همچنین دارای چند مهر است که قابل خواندن نیستند. درباره «حاجی آقا شیخ» یادشده، اطلاعاتی به دست نیامد. در حاشیه صفحه ۱۹۳ با خطی متفاوت نوشته شده است: «متوقع و ملتمس اخ افی [کذا. ص: فی] الله بنده فقیر و حقیر و خاک پای درویشان محمدعلی ابن الفقیر حقیر و کمترین خلق الله ابن آقا رسول امید که هر که این قصیده‌های زیبا را تلاوت نماید این فقیر را ...». ادامه این یادداشت نیز افتاده است. از کیستی نویسنده یادداشت اطلاعاتی به دست نیامد.

### دو سروده نویافته

در صفحات ۲۷ و ۱۰۹ نسخه کتابخانه ملی دو سروده ذیل بخش قصائد آمده است که به ترتیب دارای ۷ و ۹ بیت هستند و از نظر قالب- و نه محتوا- می‌توان آنها را در قالب غزل دانست. این سروده‌ها از نظر اعتقادی بسیار صریح و تند به حساب می‌آیند و می‌توان حدس زد به همین علت در دیگر نسخ نیامده باشند. به خصوص که در جای‌جای دیوان ابن‌حسام اشاراتی یافت می‌شود که وی به دلیل شدت و حدت عقایدش تحت فشار بوده است. برای نمونه در قصیده‌ای که در نعت پیامبر اسلام سروده است، آمده:

|                                  |                                   |
|----------------------------------|-----------------------------------|
| نسبت به کفر می‌کنم خصم خاکسار    | حاشا چه کفر؟ کفر کدام و کدام دین؟ |
| گر نعت اهل بیت تو کفر است، کافر؛ | هم آسمان گواه بر این قول هم زمین  |
|                                  | (همان: ۵۶)                        |

### متن سروده‌های نویافته

«این نیز مدح شهریار است»

نی چون دگران گشته به ناحق متوارث  
ای بس که بُود فی الدَّرکِ الأسفلِ لایث  
دریاب ره رابع و برتاب ز ثالث  
تا غره نگردي به احادیثِ احادیث  
از نیروی سرپنجه [آن] احارثِ حارث<sup>۵</sup>  
در مهد در آن روز که بُد کودکی راعث  
با گفته حسان به روانی متحادث<sup>۶</sup>

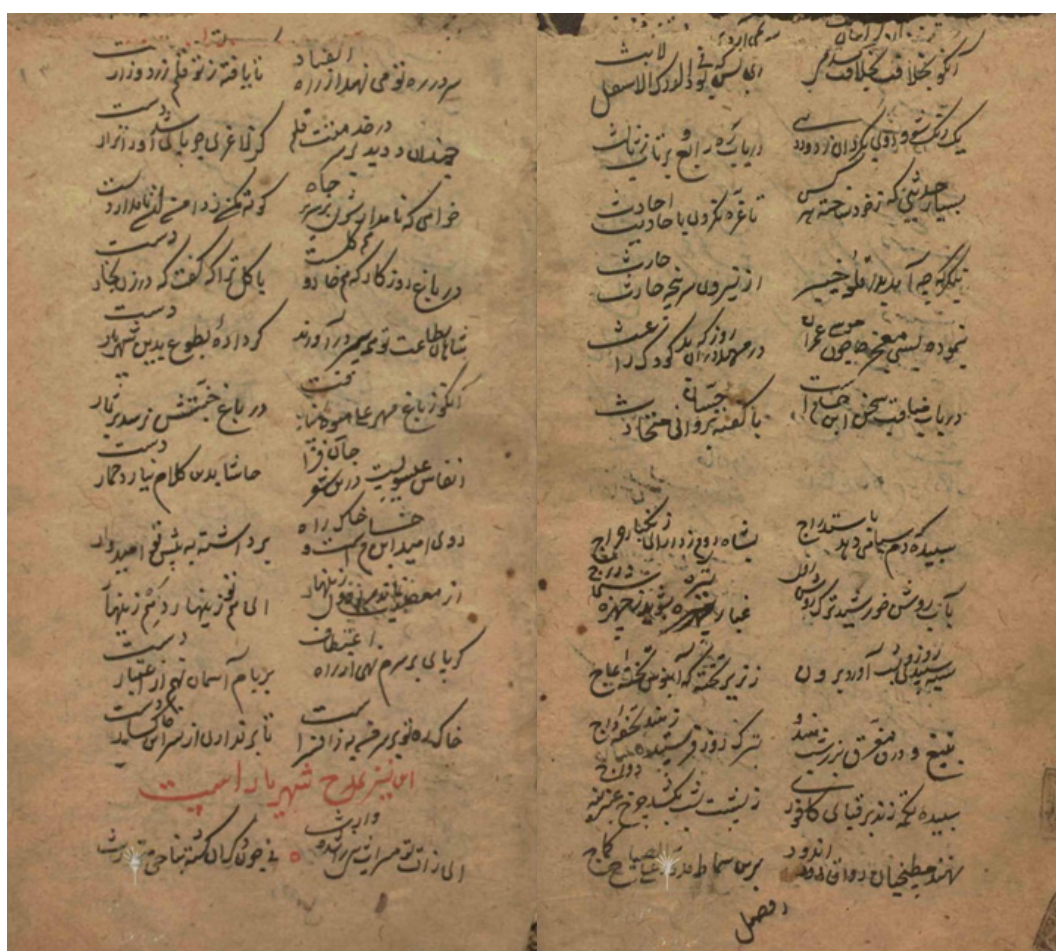
ای ذاتِ تو میراثِ نبی را شده وارث  
آن کو به خلافت به خلافت [ ]<sup>۳</sup>  
یک‌رنگ شو و روی بگردان ز دورویی  
بسیار حدیثی که ز خود ساخته هر کس  
بنگر که چه آمد به در قلعه خیبر  
بنموده بسی معجزه چون موسی عمران  
در باب مناقب سخن ابن‌حسام است

«و له ایضاً»

ایا ثنای تو بر خلق واجب التقدیس  
تو را امین ملایک متابعت و مطیع  
چو نور پاک تو اندر جبین آدم بود  
ز نوک خامه حکمت نسق نهد گردون  
علیست آب حیات نهال باغ رسول  
کسی که پیرو اولاد مصطفی نبود،  
ز آهن است دلت؛ میل سنگ کرده ز لعل  
امام نصّ به نصّ کلام می باید  
مترس ابن حسام از زمان تنهایی

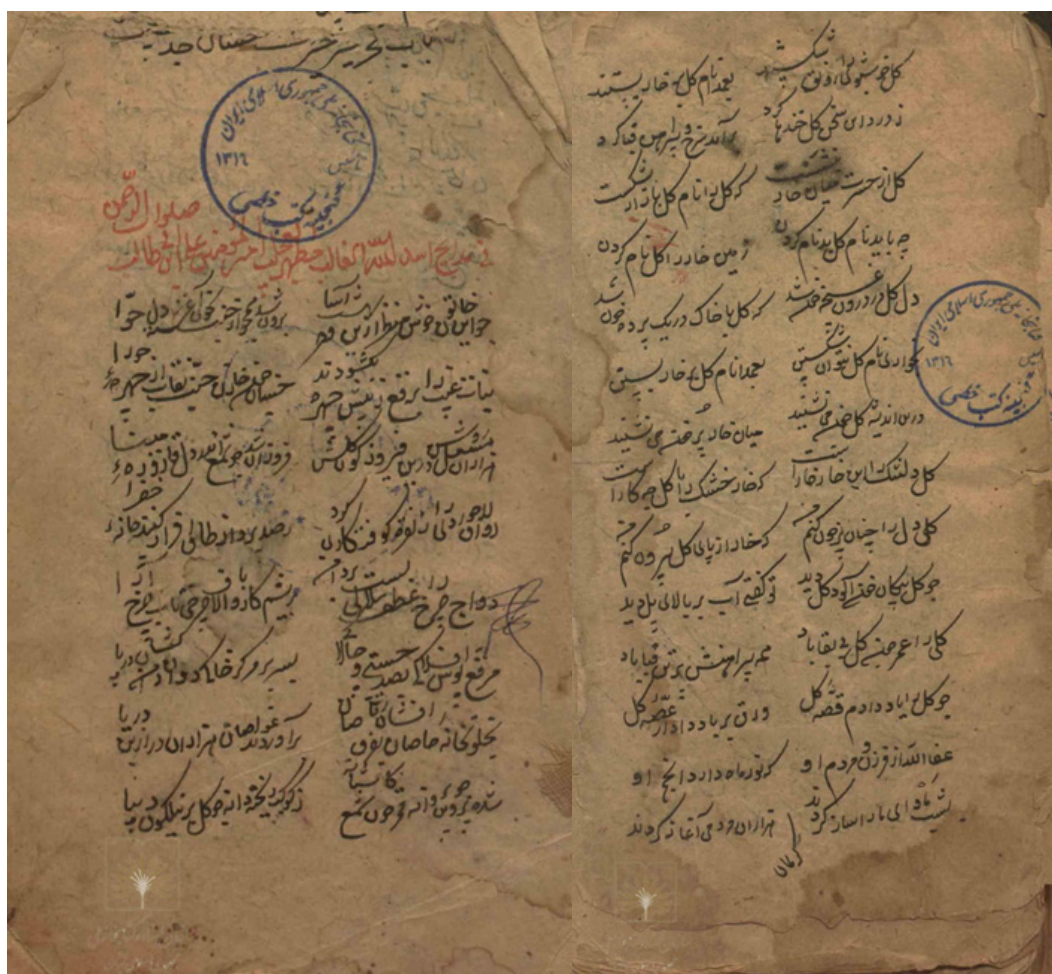
زهی غبارِ درت کحل دیده برجیس  
تو را محمد مُرسل برادرست و جلیس  
به ترک سجده از آن رو رجیم شد [ابلیس]  
ز درس خانه علمت سبق برادرِ ادریس  
که هست خاک درش افسر سر بلقیس  
چه زاهد متعبد چه راهب قسّیس  
که میل می کند آهن به سنگ مغناطیس  
نه آنکه گشت خلیفه به حیل و تلبیس  
که حب آل محمد تو را بس است انیس

تصاویر سروده‌های نو یافته در دست‌نوشته کتابخانه ملی









صفحه آغازین نسخه

آخرین صفحه نسخه

## نتیجه گیری

ابن حسام خوسفی از شاعران مهم قرن نهم هجری است. اگرچه دیوان او تا کنون دو مرتبه به صورت کامل تصحیح شده است، اما در هیچ کدام از این تصحیح‌ها از دست‌نوشته ۶۱۱۵ کتابخانه ملی استفاده نشده است. این دست‌نوشته هم از جهت اشتمال بر سروده‌هایی که در دیگر دست‌نوشته‌ها وجود ندارد و هم تاریخ کتابت از دست‌نوشته‌های معتبر دیوان ابن حسام به شمار می‌آید و استفاده از آن در امر تصحیح دیوان ابن حسام راه‌گشا و مفید خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- واژه کارسرا ریختی از کاروانسرا است.
- ۲- در نسخه افتاده است. به قیاس معنا افزوده شد.
- ۳- دست‌نوشته افتادگی دارد و ناخواناست. شاید اینگونه بوده باشد: «آنکو به خلافت (در امر خلافت) به خلافت (به مخالفت با تو) قدمی [زد]...»
- ۴- بر اساس وزن، معنا و نحو جمله افزوده شد.
- ۵- حارث نخست می‌تواند در معنای شیر و حارث دوم در معنای جنگل باشد که یادآور لقب اسدالله الغالب برای علی (ع) است. واژه حارث دارای ایهام تبادر به نام حارث مکنی به ابوزینب از بزرگان یهود معاصر پیامبر نیز می‌تواند بود که در جنگ خیبر پیشوایی قسمتی از یهود را بر عهده داشت. وی برادر مرحب سالار معروف یهود خیبر است. (ر.ک لغتنامه دهخدا، ذیل حارث)
- ۶- به دلیل افتادگی، این کلمه حذف شده است و تصحیح قیاسی شد.

### کتابنامه

- آیتی، محمدحسین. (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- خوسفی، ابن‌حسام. (کتابت قرن ۱۲) *دیوان*. شماره نسخه: ۶۱۱۵. [نسخه خطی] تهران: کتابخانه ملی.
- خوسفی، محمد ابن‌حسام. (۱۳۶۶). *دیوان محمد ابن‌حسام خوسفی*. به کوشش احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک، مشهد: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان.
- خوشحال دستجردی، طاهره. (۱۳۶۴). *تصحیح انتقادی دیوان ابن‌حسام خوسفی*. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۰). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- دولتشاه سمرقندی (۱۳۸۲). *تذکره الشعرا*. به تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- غلامحسین، شکوهی. (۱۳۴۶). *شرح حال و ذکر آثار و هزار و هشتصد بیت از اشعار مولانا محمد بن حسام‌الدین حسن قهستانی*. پایان‌نامه تحصیلی دانشسرای عالی. تهران: دانشگاه تهران.

